

روش‌شناسی مناظرات امام هشتم (ع)

محمد خطیبی کوشکک

کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه



چکیده

از جمله ذخایر گرانبهای علمی باز مانده از پیشوایان معصوم ما، مناظرات امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء است. تاکنون کتابها و مقالات عالمانه‌ای توسط چهره‌های برجسته علمی و معنوی کشور ما در شرح و تفسیر این مناظرات فراهم آمده است. به نظر می‌رسد یک بررسی روش‌شناسانه برای اطلاع از سیره مناظره‌ای حضرت نیز می‌تواند کاری مفید و قدمی دیگر برای استفاده بیشتر از میراث علمی آن حضرت در مسیر نهضت تولید و توزیع علوم دینی باشد. از این رو، این مقاله با رویکرد متدیک و روش‌شناسانه مناظرات حضرت را بازخوانی کرده و روش‌هایی را برای فن مناظره از آنها برشمرده است.

کلید واژه: امام هشتم علیه السلام، روش‌شناسی، مناظره، پیام‌ها

در این فرصت پیش آمده که در تاریخ اسلام و ایران کم نظیر یا بی نظیر است، رسالت تاریخی مراکز علمی و پژوهشی - حوزوی و دانشگاهی - تولید و توزیع معارف و آموزه‌های اسلام ناب است. امامان معصوم شیعه از مناسبت‌هایی که برایشان پیش می‌آمد، بهترین استفاده را برای ترویج تعالیم دینی و ارشاد و هدایت می‌بردند.

از شیوه‌های مؤثر و ابزارهای کارآمد تبلیغ حقایق دینی، روش مناظره و گفتگو است. منابع روایی مناظرات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان شیعه علیهم السلام را گرد آورده‌اند. ^(۱) معروف‌ترین منبع در این باره از کتب شیعه، کتاب «الاحتجاج» تألیف ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، عالم بزرگ قرن ششم هجری قمری است. ^(۲) در میان مناظرات بازمانده از رهبران معصوم شیعه، مناظرات امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام، از جایگاه رفیعی برخوردار است. این مناظرات میراث گرانبهایی از معارف بلند اسلامی شیعی است که شایسته است بارها مطالعه و بازخوانی گردند.

این مقاله بر آن است با نگاه روش شناسانه به این مناظرات، در قدر فهم خود، روش‌های مناظره را از سیره امام هشتم دریافت کرده به عنوان الگویی بی‌بدیل، کارآمد و خالی از خطا در اختیار خوانندگان فهیم و دانشور فصلنامه وزین «پیام» قرار دهد.

مفهوم و سابقه مناظره در تاریخ اسلام

مناظره در لغت، نظر همراه با بصیرت است. در اصطلاح نیز نگاه با بصیرت دو طرف گفت و گو درباره مسأله مورد چالش برای اظهار صواب و حقیقت است. ^(۳)

مناظره در تاریخ فرهنگ بشری سابقه‌ای کهن دارد. قرآن مجید مناظرات حضرت ابراهیم علیه السلام با گروه‌هایی از ستاره پرستان را نقل کرده است. ^(۴)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان و دیگر رهبران معصوم شیعه نیز احتجاجات و مناظرات پر شماری را از خود به یادگار گذاشته‌اند.

بحث و گفت و گوی آزاد یا مناظره، از باشکوه‌ترین و مفیدترین روش‌های تبلیغی آموزه‌های دینی است. کتب روایی و کلامی شیعه مناظرات و گفت و گوهای پر شماری را از امام هشتم ثبت کرده‌اند که قدیمی‌ترین منبع در این موضوع، کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» است که مناظرات را در چند باب گرد آورده است:

۱. باب ۱۲. مناظره حضرت علیه السلام با عالمان و دانشمندان ادیان مختلف و متکلمان مشهور در حضور مأمون پیرامون اثبات نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و توحید. این مناظره مفصل ترین و مهمترین مناظره امام علیه السلام است.

۲. باب ۱۳. مناظره حضرت امام هشتم علیه السلام با سلیمان مروزی درباره توحید

۳. باب ۱۴. مناظره حضرت با دانشمندان ادیان و پاسخ حضرت به علی بن محمد بن الجهم درباره عصمت پیامبران.

۴. باب ۱۵. مناظره حضرت در حضور مأمون درباره عصمت پیامبران و پاسخ به شبهاتی که درباره آیات قرآنی و بیان تفسیر صحیح آیات.

۵. باب ۲۳. مناظره حضرت علیه السلام با علمای عراق و خراسان درباره فرق میان عترت و امت با استناد به ۱۲ آیه از قرآن.

۶. باب ۴۶. مناظره حضرت در اثبات ادعای خود و رد بر غلات و مقوضه.

۷. مناظره امام علیه السلام با یحیی پسر ضحاک سمرقندی در موضوع امامت با حضور مأمون.

پیش از بررسی روش امام هشتم علیه السلام در مناظره اشاره به، کلیاتی از مسائل مورد نیاز در فن مناظره از دیدگاه قرآن مجید خالی از لطف نیست:

آداب قرآنی مناظره (مجادله به احسن)^(۵)

در مجادله به احسن که آموزه متعالی قرآنی است^(۶)، هدف تحقیر طرف گفتگو و اثبات تفوق و غلبه بر او نیست؛ بلکه منظور نفوذ در افکار و اعماق جان وی است. به همین دلیل، روش مجادله به احسن با گفتگوهای دیگر تفاوت‌های اساسی دارد. در مناظره قرآنی مناظره‌گر برای ارشاد و هدایت طرف مقابل از آدابی بهره می‌گیرد که خداوند در قرآن به آنها سفارش کرده است:

۱. مناظره‌گر نباید اصرار کند که مطلب حق را به عنوان رأی و گفته خود به طرف بقبولاند، بلکه باید چنان جلوه دهد که طرف خود این مطلب را بر اثر فکر کردن و تأمل به دست آورده است. یعنی مخاطب به این باور برسد که این اندیشه از درون خودش شکوفا شده و مولود جان خود او است تا به آن علاقمند و پایبند گردد. دلیل اینکه قرآن مجید بسیاری از

تعالیم و معارف مربوط به توحید و شرک را در قالب استفهام بیان می‌کند می‌تواند همین امر باشد. مثلاً قرآن بعد از ذکر دلایل توحید می‌پرسد: **أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ؟** (نحل، آیه ۶۰)

۲. دوری از هر کاری که حس لجاجت و عناد را در طرف مقابل برانگیزد. قرآن کریم می‌گوید: **وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...** (انعام، آیه ۱۰۸)؛ معبودان آنها را که به جای خداوند می‌خوانند ناسزا نگوئید... مبدا آنها نیز از لجاجت به خداوند اهانت روا دارند و از پذیرش حق سرباز زنند!

۳. رعایت انصاف در گفت و گو، تا طرف مقابل احساس کند گوینده به راستی در صدد روشن شدن واقعیت است. قرآن هنگامی که از زینهای شراب و قمار سخن می‌گوید، منافع مادی و اقتصادی آن را نیز نادیده نمی‌گیرد لذا می‌فرماید: **قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهَا...** (بقره، آیه ۲۱۹).

۴. مقابله به مثل نکردن، بلکه در مقابل راه محبت و دلسوزی را پیش گرفتن. این نوع برخورد تأثیر شگرفی در انعطاف و دگرگونی روحی دشمنان لجوج دارد. چنانکه قرآن مجید دستور می‌دهد: **إِذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ.** (فصلت، آیه ۳۴)

۵. رعایت استعداد و فهم مخاطب. مردم برای پذیرش حقیقت سه دسته‌اند:

الف. خواص و صاحبان جانهای نورانی و استعدادهای قوی که به آسانی توان ادراک حقایق عقلی را دارند و در جذب مبادی عالی از بیشترین آمادگی برخوردارند. اینان با علم و یقین الفت دارند از این رو با این گروه می‌توان با حکمت که همان برهان است به گفتگو نشست. ب. عوام و صاحب جانهای کدر و استعدادهای ضعیف، که شدیداً تحت تأثیر احساسات بوده و با محسوسات انس و الفت دیرینه دارند. این دسته به دلیل شدت تعلق به رسوم و عادات، از دریافت برهین قاصر و ناتوانند با اینکه هیچ عنادی با حقیقت ندارند. با موعظه حسنه می‌توان اینان را به حقیقت هدایت کرد.

ج. معاندان و اهل لجاجت؛ کسانی که با آرای باطل به مجادله با حقیقت بر می‌خیزند. اینان با مکابره و لجاجت در صدد آنند که حقیقت را نابود کنند و با دهانشان نور خدا را خاموش سازند. آرای باطل در جانهایشان ریشه دارد و تقلید از آبا و اجداد در امور خرافی بر آنها چیره گشته است. از این رو موعظه برای اینها سودی ندارد و راهنمایی برهان نیز آنان را به راه نمی‌آورد و تنها با مجادله به احسن است که می‌توان با آنها مناظره کرد. (۷)

از اینجاست که قرآن به پیامبرش دستور می‌دهد: **أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ**. (نحل، آیه ۱۲۵)

بررسی شرایط و زمینه‌های مناظرات امام هشتم علیه السلام

مامون با تحمیل ولایت عهدی بر امام هشتم علیه السلام حضرت را از مدینه منوره به طوس منتقل کرد. در مدت حضور و اقامت امام در خراسان جلسات گسترده و متعددی از بحث و مناظره تشکیل داد و از اکابر علمای زمان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان را، به این جلسات فراخواند. توجیه ظاهری این عمل، اثبات و تبیین مقام والای امام رضا علیه السلام و اطلاع آن حضرت از رشته‌های مختلف علوم و معارف بود. اما اینکه انگیزه اصلی مامون در واقع و پشت پرده چه می‌تواند باشد از سوی محققان مورد چالش و گفتگو است:

۱. گروهی با نگاه بدبینانه بر این باورند که مامون هدفی غیر از این نداشت که به گمان خودش مقام امام علیه السلام را در دیدگاه مردم به ویژه ایرانیان که شدید شیفته اهل بیت (ع) بوده‌اند و به آنان عشق می‌ورزیدند پایین آورد. وی گمان می‌کرد امام رضا علیه السلام تنها با مسائل ابتدایی قرآن و حدیث آشناست و از فنون علم و استدلال بهره‌ای ندارد.

این گروه برای اثبات مدعای خود به سخنان مامون که در متون اسلامی آمده است استناد کرده‌اند. نوفلی از یاران نزدیک امام هشتم می‌گوید: سلیمان مروزی، متکلم معروف اهل خراسان، نزد مامون آمد. مامون وی را بسیار گرامی داشته، انعام و هدایای فراوان بخشید. سپس مامون به او گفت: پسر عمویم علی بن موسی علیه السلام از حجاز نزد من آمده است. وی علم کلام و دانشمندان این علم را دوست می‌دارد. اگر مایلی روز ترویج (هشتم ذی‌الحجه که مامون معمولاً مجلس نشست عمومی داشت) نزد ما بیا و با او بحث و مناظره کن. سلیمان گفت: ای امیر مؤمنان، من دوست ندارم از مثل او در مجلس شما در حضور جماعت بنی‌هاشم سؤال کنم مبادا او از عهده بر نیاید و مقامش پایین آید. من نمی‌توانم با امثال او هم سخن شوم! مامون گفت: هدف من نیز چیزی غیر از این نیست که راه را بر او ببندی چون می‌دانم تو در علم و مناظره توانا هستی. ^(۸)

سند دیگر این گروه سخنی از امام رضا علیه السلام است که با برخی از یاران مورد اطمینان خود در میان نهاده‌اند:

لَا تَغْتَرُوا بِقَوْلِهِ، فَمَا يَتَّقُنِي وَاللَّهِ غَيْرُهُ وَلَكِنَّهُ لَا يُدُّ بِي مِنَ الصَّبْرِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ. (۹)

فربس سخنان او را نخورید، به خدا سوگند کسی جز او مرا به قتل نمی‌رساند، ولی چاره‌ای جز صبر ندارم تا دوران زندگی‌ام به سر آید.

از تعبیر امام معلوم می‌شود که مامون در برنامه‌هایی که برای امام تدارک می‌دیده، صداقتی نداشته و بیشتر، منظورش تخریب شخصیت حضرت بوده است.

۲. گروهی دیگر به مساله چنین می‌نگرند که مامون در برنامه‌هایی که برای امام والای امام را تنها در بعد علمی منحصر کند و تدریجاً او را از امور سیاسی برکنار سازد. او می‌خواست حضرت را چنین بشناساند که او شخصیت دانشمند و صاحب علمی است که می‌تواند پناهگاه محکمی برای پاسخگویی به مسائل و شبهات علمی امت مسلمان باشد، اما حق ندارد در مسائل سیاسی و امور کشوری دخالتی بکند.

مامون قصد داشت با این کار تفکیک دین از سیاست یا سکولاریزم را احیا نماید.

۳. جمعی دیگر از دانشمندان در تحلیل انگیزه مامون برآنند که این کار مامون فقط یک عمل سیاسی با هدف سرگرم کردن افکار عمومی بوده است. او با برگزاری چنین نشست‌هایی اذهان را از توجه به مسائل جاری و بحران‌های اجتماعی سیاسی حکومت منحرف می‌کرد. هدف مامون این بود که علاقه‌مندان و پیروان مکتب اهل بیت با محافل گفتگوی حضرت سرگرم و از پیروزی‌های علمی رهبر و پیشوای خود سرمست گردند تا مامون با خیال راحت اهداف سیاسی خود را دنبال کرده، بر نقاط ضعف حکومت خود پوشش بگذارد.

۴. گروه آخر با نگاه خوشبینانه گفته‌اند انگیزه اصلی مامون عشق و علاقه او به علم و دانش بوده است. او می‌خواست در محیط ایران به ویژه، اسلام آن روز نامش به عنوان زمامداری صاحب فضیلت و دوستدار علم و دانش در تاریخ اسلام، بلکه سایر ملت‌های جهان ماندگار بماند.

در هر حال مامون با هر انگیزه‌ای که جلسات متعدد مناظره را برگزار کرد، امام رضا علیه السلام با حسن استفاده از این فرصت‌ها توانست اسلام ناب محمدی و مکتب متعالی علوی را به جهانیان معرفی کند.

روش‌های مناظراتی امام هشتم علیه السلام

مهم‌ترین روش‌هایی که با مطالعه و تأمل در مناظرات امام هشتم و بازخوانی مکرر آنها از زاویه روش‌شناسی به دست می‌آید، به شرح زیر هستند:

۱. استناد به مبادی عقلی و منطقی (برهان)

امام در بیشتر فرازهای مناظرات خود، با توجه به فهم مخاطبان، بر اصول منطقی و بدیهیات اولی که در مسائل عقلی به عنوان مبادی تصدیقی شناخته می‌شوند تکیه کرده‌اند: اصل اولی محال بودن اجتماع و ارتفاع دو نقیض؛ مسأله بدیهی محال بودن اجتماع دو ضد و این اصل منطقی که اگر قضیه اصلی صادق باشد، عکس نقیض آن نیز صادق است و مانند آن.

برای نمونه، حضرت درباره امتناع رؤیت خداوند متعال می‌فرماید:

إِنَّ الْمَعْرِفَةَ الْحَاصِلَةَ بِرُؤْيَةِ الْعَيْنِ، إِثْمًا أَنْ تَكُونَ إِيمَانًا أَوْ لَيْسَتْ بِإِيمَانٍ. فَإِنْ كَانَتْ إِيمَانًا فَلَا مَعْرِفَةَ الْحَاصِلَةَ بِالْاِكْتِسَابِ الدَّالَّةِ عَلَى أَنَّهُ تَعَالَى مُجَرَّدًا لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ لَيْسَتْ بِإِيمَانٍ، لِأَنَّهَا خُذَّةٌ. (۱۰)

معرفت به دست آمده از راه دیدن چشم سر، یا ایمان است یا ایمان نیست. اگر ایمان باشد پس معرفت اکتسابی که دلالت دارد بر اینکه خدای متعال مجرد است و با چشمان سر درک نمی‌شود، ایمان نیست. چون ضد مطلب اول است (و دو ضد با هم جمع نمی‌شوند). (۱۱)

حضرت درباره اراده الهی و اینکه اراده در خداوند قدیم نیست می‌فرماید:

أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مَا لَمْ يَزَلْ لَا يَكُونُ مَفْعُولًا وَ حَدِيثًا وَ قَدِيمًا فِي خَالَتِهِ وَاجِدَةٍ...

منظور حضرت آن است که حدوث و قدم قابل جمع نیستند. چون قضیه منفصله که موجود یا حادث است و یا قدیم، منفصله حقیقی است که از دو طرف نقیض شکل می‌گیرد. مثل اینکه عدد یا زوج است یا فرد.

از این رو، صادق بودن آن دو در جمع و کذبشان در رفع ممتنع است چون دو متناقض نه قابل جمع‌اند و نه قابل رفع. (۱۲)

۲. استفاده از صنعت جدل

جدل صنعتی است که مجادله‌گر در آن با استفاده از مقدمات مسلم و مورد قبول طرف مقابل، مطالب مورد بحث را اثبات یارد می‌کند. امام هشتم علیه السلام در مناظرات خود به صنعت جدل ارزش نهاده است در مناظره با جاثلیق، مامون رو به جاثلیق نمود و گفت: ای جاثلیق،

این پسر عمویم علی بن موسی بن جعفر است. من دوست دارم با او مناظره نمایم اما طریق عدالت را در بحث رها مکن.

جائلیق گفت: ای امیر مؤمنان من چگونه گفت و گو کنم که (با او قدر مشترکی ندارم) او به کتابی استدلال می کند که من منکر آنم و به پیامبری تمسک می کند که من به او ایمان نیاورده ام! در این هنگام امام رضا علیه السلام سخنش را چنین آغاز فرمود:

ای نصرانی، اگر به انجیل خودت برایت استدلال کنم اقرار خواهی کرد؟ جائلیق گفت: آیا می توانم گفتار انجیل را انکار کنم؟ آری به خدا سوگند اقرار می کنم هر چند بر ضررم باشد. امام علیه السلام فرمود: هر چه می خواهی پرس و جواب بشنو.

جائلیق: درباره نبوت عیسی و کتابش چه می گویی؟ آیا چیزی از این را منکری؟ امام علیه السلام: من به نبوت عیسی و کتابش و آن چه را به امتش بشارت داده و حواریون به آن اقرار نموده اند اعتراف دارم، ولی به نبوت عیسیایی که به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کتابش اقرار نکرده و امتش را بدان بشارت نداده کافرم.

جائلیق: آیا به هنگام داوری از دو شاهد عادل استفاده می کنید؟ امام علیه السلام: آری.

جائلیق: پس دو شاهد از غیر اهل مذهب خود بر نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اقامه کن، از کسانی که نصارا آنها را انکار ندارند. از ما نیز بخواه دو شاهد بر این معنا از غیر اهل مذهب خود آوریم. امام علیه السلام: اکنون انصاف را مراعات کرده ای، ای نصرانی آیا کسی را که عادل بود و نزد مسیح بن مریم صاحب احترام و ارزش بود می پذیری؟ جائلیق: این مرد عادل کیست؟ نامش را بگو.

امام علیه السلام: نظرت درباره یوحنا ی دیلمی چیست؟

جائلیق: به به، محبوب ترین فرد نزد مسیح را نام بردی.

امام علیه السلام: تو را سوگند می دهم آیا انجیل این سخن را بیان می کند که یوحنا گفت: حضرت مسیح مرا از محمد عربی باخبر کرد و به من بشارت داد که بعد از او چنین پیامبری خواهد آمد، من نیز به حواریون بشارت دادم آنها هم به او ایمان آوردند؟

جائلیق گفت: آری این سخن را یوحنا از مسیح نقل کرده است و بشارت به نبوت مردی و

نیز بشارت به اهل بیت و وصیش داده است. اما نگفته است این در چه زمانی واقع می شود و این گروه را برای ما نام نبرده تا آنها را بشناسیم....

امام گفت و گور بر اساس مسلمات و مقبولات جائلیق ادامه داد تا جایی که جائلیق از پاسخ عاجز شد و گفت: **الْقَوْلُ قَوْلُكَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...** (۱۳)

۳. تسلط علمی:

از امتیازات چشمگیر امام علیه السلام در مناظرات، تسلط کامل علمی حضرت نسبت به موضوعات گوناگون بوده است. چنان که در مناظره با جائلیق اطلاع حضرت بر متون تورات و انجیل و شناخت شخصیت های برجسته عالم یهودیت و مسیحیت از عوامل بزرگ موفقیت حضرت بوده اند.

البته ما بر این باوریم که علم امام علیه السلام اکتسائی نبوده و از موهبت های ویژه الهی نسبت به حضرت و اجداد و اولاد معصوم او است و از لوازم ولایت کلیه الهی آنان است.

امام علیه السلام درباره علم الهی خود هنگامی که از سوی مامون برای مناظره با ارباب مکاتب و ادیان فراخوانده شد، به نوفلی از یاران خود چنین فرمود: تو اهل عراقی و مردم عراق ظریف و باهوش اند. در این باره [برگزاری جلسه مناظره از سوی مامون] نظرت چیست؟ مامون چه نقشه ای بر سر دارد که اهل شرک و علمای مذاهب را گرد آورده است؟

نوفلی عرض کرد: او می خواهد شما را به محک امتحان بزند و بداند پایه علمی شما تا چه اندازه است. ولی کار خود را بر پایه سستی بنا کرده است.

امام فرمود: چه بنایی ساخته و چه نقشه ای طراحی کرده است؟

نوفلی که نسبت به مقام شامخ علمی امام معرفت کاملی نداشت و از توطئه مامون دچار وحشت بود، گفت: عالمان علم کلام اهل بدعتند و با دانشمندان اسلام مخالفند.... اینها اهل انکار و

سفسطه اند، اگر دلیلی بیاوری که خدا یکی است می گویند این دلیل را قبول نداریم....

امام تبسمی کرده و فرمود: نوفلی می ترسی آنها دلایلم را باطل کنند و راه را بر من ببندند؟

نوفلی که [از گفته خود پشیمان شد] گفت: نه، به خدا قسم من هرگز بر تو نمی ترسم!

امیدوارم خداوند تو را بر همه آنها پیروز کند!

امام فرمود: ای نوفلی، دوست داری بدانی که مامون کی از کار خود نادم می شود؟

گفتم: آری. فرمود: وقتی که استدلالهای مرا در برابر اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل با انجیلشان و با اهل زبور به زبورشان و با صائبان با عبریشان و با هیربدان (زرتشت) با زبان فارسی آنها و با اهل روم با زبان رومی و با پیروان مکاتب مختلف با لغاتشان بشنودا مطالعه مناظرات حضرت به روشنی شاهد گویایی است از تسلط علمی حضرت و آیت بزرگی است بر امامت و ولایت الهی آن حضرت که شایسته است همکاران فاضل روحانی این مناظرات را بارها باز خوانند.

۴. روشنگری و حق مداری

ویژگی دیگر مناظرات امام علیه السلام نسبت به بسیاری دیگر از مباحث و گفتگوها، جنبه روشنگری و حقیقت گرایی آنها است. در اغلب مناظراتی که از سوی عالمان و ارباب مذاهب و اشخاص سیاسی و اجتماعی بر پا می شود، هدف مناظره کنندگان غلبه بر طرف مقابل و اسکات یا اقناع او است. و با تأسف گاهی برای رسیدن به منظور خود از گفتار و رفتار خلاف ادب و اخلاق نیز بهره می گیرند.

اما مناظرات امام هشتم علیه السلام که سرچشمه فیاض هدایت و ارشادند، تماماً در پی روشن شدن حقیقت و ارشاد و هدایت انسان اند. برای نمونه، مناظره حضرت با عمران صابی و مسلمان شدن او بسنده است.

۵. شرح صدر و انصاف

از ابزار مهم مناظره‌ای که به هدف هدایتگری و حقیقت مداری انجام می شود، برخورداری از حوصله و رعایت انصاف در مناظره است. در مناظره حضرت با عمران صابی پرسش پرشماری از سوی عمران طرح شد و ساعت‌ها وقت امام را به خود مشغول کرد که حضرت با شرح صدر و انصاف به همه آنها پاسخ داد. (۱۴)

۶. مخاطب محوری

از روش‌های قابل دقت در مناظرات امام علیه السلام مراعات سطح علمی و فهم مخاطب است. از آنجاکه انسان‌ها دارای مراتب علمی و معرفتی متفاوتی هستند، رعایت استعدادها و درک و فهم مخاطب و بیان حقایق در اندازه ادراک او از مزایای مناظره است. مناظرات امام علیه السلام با

جائلیق، راس الجالوت، عمران صابی و سلیمان مَرَوَزی به خوبی این ویژگی را در احتجاجات حضرت نشان می دهند.

از سویی حضرت در مواجهه با زندقی که فرد متعارف و کم سواد بوده است در حد فهم او سخن می گوید. محمد بن عبدالله خراسانی خادم امام هشتم می گوید: زندقی بر جمع امام رضا علیه السلام و یارانش وارد شد و مطالبی را بیان کرد. امام علیه السلام در گفتگوی با او فرمود: اگر حرف شما درست باشد - و حال آنکه چنان نیست که شما می گوئید - آیا ما و شما شرعاً مثل هم نیستیم؟ نماز و زکات و آن چه ما قبول داریم ضرری به حال ما ندارد. طرف جوابی نگفت و ساکت ماند. حضرت باز فرمود: اگر حرف حرف ما نباشد - و حال آنکه چنان است که ما می گوئیم - ما نجات می یابیم ولی شما هلاک می شوید! با همین سخن عادی و شک آمیز، زندقی متنبه شد و برای رسیدن به حقیقت پرسش های دیگران را مطرح کرد و امام جواب فرمود. (۱۵) اما در مناظره با سلیمان مَرَوَزی متکلم نامدار خراسانی، حضرت مسائل مهم کلامی مانند توحید و بدهاء و... را مطرح نمودند.

۷. ابزار احساسات

مجادله گر علاوه بر آمادگی علمی و اطمینان به نفس برای اینکه اهمیت مطلب و یا اشتباه مخاطب را به خوبی نشان دهد لازم است احساسات خود را در گفتار و رفتار و انتخاب واژه و اصطلاحات بروز دهد.

این ویژگی در مناظرات امام رضا علیه السلام به اندازه کافی وجود دارد. حضرت در مقابل فهم نابجای طرف مقابل، از تعبیر تکان دهنده استفاده می کند: برای نمونه زندقی از حضرت می پرسد: **رَجَعَكَ اللهُ فَأَجِدُنِي كَيْفَ هُوَ وَ أَيْنَ هُوَ؟** خدایت رحمت کند به من نشان بده خداوند چگونه است و کجاست؟

حضرت برای اینکه مخاطب به نادرستی پرسش خود پی ببرد از تعبیر تکان دهنده «ویلک» استفاده می کند و می فرماید: **«وَيْلَكَ إِنَّ الَّذِي ذَهَبَتْ إِلَيْهِ غَلَطٌ وَ هُوَ أَيْنَ الْأَيْنِ وَ كَانَ وَ لَا أَيْنَ وَ هُوَ كَيْفَ الْكَيْفِ وَ كَانَ وَ لَا كَيْفٍ...»** (۱۶)

و یا حضرت در مناظره با سلیمان مروزی وقتی او اصل بدیهی ارتفاع نقیضین را انکار می کند، با این جمله تلخ او را خطاب کرده فرمود:

يَا جَاهِلُ إِذْ قُلْتَ لَيْسَتْ هُوَ فَقَدْ جَعَلْتَهَا غَيْرَهُ وَإِذَا قُلْتَ هِيَ غَيْرُهُ فَقَدْ جَعَلْتَهَا هُوَ. (۱۷)

در مناظره با علی بن محمد بن الجهم درباره عصمت انبیا، هنگامی که علی بن محمد افسانه ساختگی درباره حضرت داود علیه السلام را بیان کرد، حضرت از شدت ناراحتی دست بر پیشانی زد و فرمود: «أَنَا لَلَّهِ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ!» شما پیامبر بزرگی را به سستی در نماز و ارتکاب عمل خلاف عفت و قتل متهم می‌کنید!؟ (۱۸)

۸. پاسداری از ارزش‌های معنوی

در مجلس بزرگ مناظره با بزرگان ادیان و در حضور مأمون و سران لشکری و کشوری، در گرما گرم مناظره با عمران صابی، وقتی که عمران سؤالات مهمی را درباره خدا مطرح کرد، امام رو به هارون کرد و فرمود: وقت نماز رسیده است [و باید به ادای فریضه بزرگ الهی پردازیم]. عمران که از باده معنوی سخنان امام سرمست شده بود، قدح به دست عرض کرد: مولای من! جوابم را قطع نکن که اکنون قلمم نرم و آماده پذیرش [حقیقت] است! امام فرمود: شتاب نکن. نماز می‌خوانیم و باز می‌آییم... (۱۹)

به راستی که علی بن موسی الرضا جانشین شایسته و نمونه کامل جدّ اطهرش امام حسین علیه السلام است. اگر جدّ بزرگوارش اباعبدالله در روز عاشورا در گرما گرم نبرد و در محاصره دشمنان زیباترین تابلوی بندگی و شکوهمندترین نماز جماعت را در پهنه تاریخ به یادگار نهاده است، فرزند صالحش امام هشتم علیه السلام نیز در حساس‌ترین مجلس و طلایی‌ترین فرصت، تابلوی نماز و پرچم افتخار آمیز پرستش معبود یگانه را بر فراز تاریخ اسلام برافراشت و همگان را به اهمیت دادن به فریضه بزرگ الهی در همه حالات فرا خواند.

پیامها

در پایان، به جای نتیجه به چند پیام از سیره امام هشتم در مناظره اشاره می‌شود: مناظرات حضرت یک مسأله تاریخی و متعلق به گذشته نیست، بلکه سرمشق جامعی برای همه مسلمانان در همه دوره‌های تاریخی به ویژه برای نسل ما خصوصاً روحانیان و وارثان مکتب علوی است.

برعهده ما است تا با بازخوانی و پژوهش در مناظرات امام علیه السلام با روش‌های آن حضرت

آشنا شویم و برای انجام رسالت خطیر فرهنگی و معنوی خود از آنها استفاده نماییم. مهم‌ترین نکات و پیامهای روش مناظره‌ای حضرت عبارتند از:

۱. هدف مقدس. آن چه در سراسر مناظره‌های امام هشتم به وضوح دیده می‌شود داشتن نیت صادق و هدف مقدس است. از آنجا که تبلیغ و ارشاد، رسالت سنگین روحانیان معزز است، ایشان تنها با داشتن انگیزه پاک و هدف مقدس در انجام تکلیف بزرگ خود موفق خواهند شد.

۲. رفتار منطقی. پیام دیگری که از سیره امام هشتم در مناظره می‌توان دریافت این است که در مواجهه با مخاطبان و پرسشگران از مسائل اسلامی، لازم است از استدلال و منطق بهره گرفت و از هرگونه گفتار و رفتار خلاف منطق و اخلاق پرهیز نمود. علاوه بر سیره حضرت در گفتگوها، به گواهی تاریخ دلیل اساسی پیشرفت و جهانی شدن اسلام تبلیغ منطقی و قوت استدلال آموزه‌های آن بوده است و در آینده هم چنین خواهد بود.

۳. آشنایی با مکاتب و مذاهب. از دلایل مهم پیروزی امام هشتم علیه السلام در مناظرات، اطلاع آن حضرت از معارف و متون ادیان و کتب دینی آنان بوده است. بر شاگردان مکتب رضوی و شیعیان آن حضرت به ویژه عالمان دینی و افاضل روحانی نیز روا است با برنامه ریزی و مطالعه، زمینه‌ای برای آشنایی با اندیشه‌ها و متون دیگر ادیان و مذاهب فراهم آورده، در ترویج علوم اسلامی و شیعی از آنها استفاده نمایند.

۴. مهارت در زبان‌های زنده دنیا. آشنایی با زبان‌های زنده دنیا برای آشنا کردن دیگر ملت‌ها با علوم اهل بیت و تعالیم اسلامی و پاسخگویی به سؤالات و شبهات آنان از ضرورت‌های زمانه ما است که می‌توان از سیره علمی امام هشتم نیز پی به اهمیت آن برد.

۵. استفاده بهینه از وسائل ارتباط جمعی. پاسداران اسلام و مرزبانان علمی و فرهنگی دنیای اسلام برای حراست از تعالیم اسلامی و انتشار علوم و دانش‌های اهل بیت علیهم السلام لازم است از فضای پیش آمده و ابزار و وسائل دنیای جدید مانند صدا و سیما و سینما، ویدئو و دانش و اطلاعات فناوری جدید استفاده بهینه نمایند، چنانکه امام هشتم علیه السلام از مجالس برگزار شده از سوی مأمون از فرصت استفاده نموده، وسیع‌ترین تبلیغ را از معارف ناب اسلامی و علوم اهل بیت علیهم السلام انجام دادند.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک: الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، چاپ اول، (منشورات مؤسسة الاعلمی، مؤسسه اهل البيت علیه السلام، بیروت، لبنان، ۱۹۸۱ م) و عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، چاپ اول، (منشورات الاعلمی، طهران، ۱۹۷۰ م) و مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
۲. به همکاران محترم توصیه می‌شود حتماً فرصتی برای مطالعه این کتاب فراهم کنند.
۳. لغت نامه دهخدا، واژه: مناظره و «التعريفات».
۴. ر.ک: بقره، آیه ۲۵۸؛ انعام، آیات ۷۰-۷۶.
۵. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۲۵-۲۶.
۶. نحل، آیه ۱۲۵.
۷. المیزان، علامه سیدمحمد حسین طباطبائی، ج ۱۴، ص ۳۷۳، عربی.
۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۹؛ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۷۷.
۹. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸؛ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۸۹.
۱۰. ر.ک: مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷.
۱۱. علی بن موسی الرضا علیه السلام، و الفلسفة الالهیه، آیت الله جوادی آملی، چاپ اول، (دارالنشر الاسراء، قم، ۱۳۷۴ ش) ص ۱۶.
۱۲. همان و ر.ک: برای موارد بیشتر «علی بن موسی الرضا و الفلسفة الالهیه».
۱۳. الاحتجاج، طبرسی، ص ۴۱۶.
۱۴. مجموعه آثار دومین کنگره جهانی امام هشتم، ج ۱، مقاله علامه جعفری علیه السلام.
۱۵. الاحتجاج، ص ۳۹۶.
۱۶. علی بن موسی الرضا و الفلسفة الالهیه، ص ۱۶.
۱۷. الاحتجاج، ص ۳۹۶.
۱۸. علی بن موسی الرضا و الفلسفة الالهیه، ص ۱۶.
۱۹. علی بن موسی الرضا و الفلسفة الالهیه، ص ۱۶.